



یادداشت

حمایت غیرتورمی از تولید ملی

رضا کربلائی
سردبیر



حمایت از تولید و رونق اقتصادی زمانی می‌تواند به نتیجه‌ای پایدار منجر شود که در کنار تأمین مالی بنگاه‌ها، الزامات ثبات اقتصاد کلان نیز مورد توجه قرار گیرد. از این منظر، تأکید بانک مرکزی بر حمایت از تولید از مسیر «انضباط پولی و مدیریت بهینه منابع» را می‌توان تلاشی برای ایجاد تعادل میان دو ضرورت مهم اقتصاد کشور دانست: تأمین مالی فعالیت‌های مولد از یک سو و جلوگیری از تشدید بی‌ثباتی‌های پولی و مالی از سوی دیگر.

اهمیت این رویکرد در آن است که حمایت از تولید الزاماً به معنای افزایش بدون ضابطه حجم تسهیلات بانکی نیست. بلکه افزایش اعتبارات در شرایطی که منابع بانکی محدود است، اگر بدون اولویت‌بندی و بدون توجه به آثار آن بر تورم و سایر متغیرهای کلان انجام شود، می‌تواند بخشی از دستاوردهای مورد انتظار را خنثی کند. بنابراین مسئله اصلی، نه صرفاً «افزایش اعتبار»، بلکه هدایت اعتبار به سمت فعالیت‌های مولد و دارای ارزش افزوده است.

در واقع، یکی از چالش‌های مهم نظام تأمین مالی اقتصاد ایران، محدودیت منابع در مقایسه با نیازهای گسترده بنگاه‌های تولیدی است. در چنین شرایطی، مدیریت بهینه منابع بانکی باید به معنای افزایش اثربخشی تسهیلات باشد؛ به‌گونه‌ای که منابع محدود، بیش از پیش به سمت سرمایه در گردش بنگاه‌های فعال، طرح‌های دارای توجیه اقتصادی، توسعه ظرفیت تولید و فعالیت‌هایی هدایت شود که قابلیت ایجاد اشتغال و افزایش تولید را دارند.

از سوی دیگر، انضباط پولی یک ضرورت اساسی برای خودِ تولیدکنندگان نیز محسوب می‌شود؛ چرا که بنگاه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری، قیمت‌گذاری، عقد قرارداد و برنامه‌ریزی بلندمدت، به محیطی با ثبات نسبی نیاز دارد. اما تورم بالا و نوسانات شدید متغیرهای اقتصادی، هزینه تأمین مالی و ریسک فعالیت اقتصادی را افزایش می‌دهد و می‌تواند حتی تسهیلات ارزان‌تر را نیز از کارایی مورد انتظار خارج کند. بنابراین، ثبات پولی را باید بخشی از زیرساخت حمایت از تولید دانست، نه سیاستی در مقابل تولید.

از این منظر، تأکید رئیس‌کل بانک مرکزی بر ضرورت ایجاد تعادل میان حمایت از تولید و مدیریت متغیرهای کلان اقتصادی، نکته‌ای کلیدی است. سیاست‌گذار پولی با یک دوگانه ساده مواجه نیست که در آن با باید منابع بیشتری به تولید اختصاص دهد یا ثبات اقتصادی را حفظ کند؛ بلکه چالش اصلی، طراحی سازوکاری است که تأمین مالی تولید را با کمترین فشار ممکن بر تورم و ثبات پولی همراه کند.

ادامه در صفحه ۲

رئیس کل بانک مرکزی تأکید کرد

شارژ تولید با انضباط پولی

■ عبدالناصر همتی: بانک مرکزی همواره خود را حامی جدی تولید و رونق اقتصادی می‌داند و در این مسیر، تمام تلاش ما بر آن است تا با انضباط پولی و مدیریت بهینه منابع، بستر لازم برای فعالیت بنگاه‌های تولیدی و فعالان اقتصادی فراهم شود.

■ باید تعادلی میان حمایت از تولید و مدیریت متغیرهای کلان اقتصادی برقرار کنیم تا ثبات لازم برای برنامه‌ریزی تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی فراهم شود.

■ ما از شنیدن نظرات مستقیم فعالان بخش خصوصی در استان‌های کشور استقبال می‌کنیم و معتقدیم تداوم این گفت‌وگوها به اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه‌تر و تسهیل فرآیندهای بانکی برای تولیدکنندگان می‌انجامد.



ریشه‌های افزایش نرخ ارز فراتر از اختیارات بانک مرکزی است

مرکزی، تثبیت قطعی نرخ ارز و جلوگیری کامل از هرگونه جهش ارزی اتفاق بیفتد؛ چراکه ریشه‌های افزایش نرخ ارز فراتر از اختیارات بانک مرکزی است و مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی در این زمینه نقش دارند. وی بیان کرد: افزایش انتظارات تورمی در جامعه، کاهش عرضه ارز، نگرانی نسبت به کاهش بهره‌وری سرمایه، رشد نقدینگی و حرکت نقدینگی به سمت بازارهای خاص، همچنین تحریم‌های شدید و مؤثری که آمریکا در دوره جدید اعمال کرده، از جمله عواملی هستند که بر بازار ارز اثرگذارند و بخش قابل توجهی از آنها خارج از اختیار بانک مرکزی قرار دارد.

سنجایی شیرازی تأکید کرد: زمانی اقدامات بانک مرکزی می‌تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد که سایر دستگاه‌های کشور نیز متناسب با وظایف خود وارد عمل شوند و مجموعه اقداماتی را برای خنثی‌سازی آثار تحریم‌ها و محدودیت‌های خارجی در دستور کار قرار دهند.

اندازه می‌تواند در مواجهه با افزایش نرخ ارز و به تبع آن افزایش تورم مؤثر باشد.

سنجایی شیرازی ادامه داد: به‌طور طبیعی هر یک از اقدامات بانک مرکزی اثرات خاص خود را دارد و می‌تواند روند رشد نرخ ارز را به تأخیر بیندازد، سرعت افزایش نرخ ارز را کاهش دهد و حتی در برخی مقاطع زمانی به ثبات نسبی بازار منجر شود. این اقدامات همچنین می‌تواند به کنترل رشد نقدینگی و افزایش بهره‌وری سرمایه کمک کند. وی با اشاره به ابزارهای جدید مالی گفت: برای نمونه، ابزارهایی که در زمینه ایجاد صندوق‌های خرید مبتنی بر نرخ روز سکه و سایر ابزارهای مشابه در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفته‌اند، می‌توانند در حکم راهبرد یا تاکتیک‌هایی باشند که سرعت تحولات بازار را کاهش دهند و دست‌کم برای دوره‌های زمانی مشخص، ثبات نسبی در بازار ایجاد کنند.

این فعال اقتصادی تصریح کرد: با این حال، نباید انتظار داشته باشیم صرفاً با اقدامات بانک

جهانبخش سنجایی شیرازی، دبیرکل اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق و عضو اتاق بازرگانی ایران با اشاره به مجموعه اقدامات بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز اظهار کرد: بانک مرکزی در ماه‌های اخیر سلسله اقداماتی را برای مدیریت بازار ارز در دستور کار قرار داده که از جمله آن می‌توان به موضوع الزام بازگشت ارز صادرکنندگان، ایجاد ابزارهای جایگزین برای بازگشت ارز و همچنین تزریق ۵۰۰ میلیون یورو به بازار اشاره کرد. همچنین ابزارهایی مانند سپرده ارزی با صندوق درآمد ثابت ارزی نیز در حال ایجاد است تا بخشی از سپرده‌های ارزی مردم به سمت تولید هدایت شود.

وی افزود: برای ارزیابی میزان اثربخشی این اقدامات، ابتدا باید علل و ریشه‌های پدیده‌ای که امروز با آن مواجه هستیم به‌درستی شناخته شود؛ چراکه در مواجهه با هر پدیده‌ای، تشخیص مقدم بر درمان است؛ بنابراین باید بررسی کنیم اقداماتی که بانک مرکزی در حوزه ارزی انجام می‌دهد تا چه



محمدحسن روشنگر
عضو هیات‌رئیس اتاق بازرگانی
خراسان رضوی

نوسانات اخیر نرخ ارز را نمی‌توان صرفاً با متغیرهای اقتصادی توضیح داد. آنچه امروز در بازار ارز و طلا شاهد هستیم، بیش از آنکه ناشی از کمبود ارز یا مشکلات بنیادی اقتصاد باشد، تحت تأثیر فضای سیاسی و امنیتی، تأمین مالی تولید؛ بدون افزایش بی‌ضابطه نقدینگی، نگرانی مردم و کاهش اعتماد نسبت به آینده و حفظ ارزش دارایی‌ها قرار دارد. در یک ماه گذشته، فعالان اقتصادی خراسان نیز بر این باور بوده‌اند که جهش اخیر نرخ ارز ارتباط مستقیمی با متغیرهای واقعی اقتصاد ندارد. بخشی از این شرایط به مسائل سیاسی و امنیتی بازمی‌گردد؛ به‌ویژه اینکه عده‌ای اجازه ندادند توافقنامه خوبی که در اسلام‌آباد شکل گرفته بود، به مرحله اجرا برسد و همین مسئله بر فضای عمومی و انتظارات مردم اثر گذاشت.

اگر افزایش نرخ ارز صرفاً ناشی از تورم و عوامل بنیادی اقتصاد بود، باید آثار آن را در سایر بازارهای دارایی نیز مشاهده می‌کردیم. در حالی که چنین تناسبی میان افزایش نرخ ارز و سایر بازارها وجود ندارد؛ بنابراین بخش قابل توجهی از وضعیت فعلی را باید ناشی از تورم انتظاری، نگرانی و تلاش مردم برای حفظ ارزش دارایی‌های خود دانست.

در چنین شرایطی، صحبت رئیس کل بانک مرکزی درباره نحوه حمایت از تولید، کاملاً درست است. حمایت از تولید و تأمین مالی بنگاه‌ها ضروری است، اما این حمایت باید به شکلی انجام شود که به افزایش بی‌ضابطه نقدینگی و در نتیجه تشدید تورم منجر نشود. نمی‌توان برای حل مشکل تأمین مالی تولید، منابع جدیدی را بدون توجه به آثار پولی آن وارد اقتصاد کرد و انتظار داشت هم‌زمان تورم نیز کنترل شود.

بانک مرکزی باید منابع موجود را به سمت فعالیت‌های مولد و بنگاه‌هایی هدایت کند که واقعاً به سرمایه در گردش و تأمین مالی نیاز دارند. در این صورت می‌توان هم از تولید حمایت کرد و هم مانع از آن شد که تسهیلات بانکی به عاملی برای افزایش نقدینگی و تورم تبدیل شود.

واقعیت این است که بخشی از شرایط فعلی اقتصاد، ناشی از تورم انتظاری و نگرانی از آینده است. وقتی مردم نسبت به حفظ ارزش پول خود اطمینان نداشته باشند، طبیعی است که به دنبال دارایی‌های جایگزین بروند؛ بنابراین کنترل بازار ارز فقط با عرضه ارز یا سیاست‌های کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست؛ بلکه باید هم‌زمان اعتماد مردم به پول ملی و شبکه بانکی تقویت شود.

بنابراین سیاست‌گذار پولی باید میان دو هدف مهم یعنی حمایت از تولید و کنترل تورم تعادل ایجاد کند. تسهیلات باید به سمت تولید هدایت شود، اما بدون آنکه نتیجه آن افزایش نقدینگی و تشدید تورم باشد. در کنار آن، ایجاد اطمینان برای سپرده‌گذاران و حفظ ارزش دارایی‌های آنها می‌تواند به بازگشت منابع به شبکه بانکی و کاهش فشار بر بازارهای ارز و طلا کمک کند.

ادامه خبر را در لینک بخوانید

شارژ تولید با انضباط پولی



حمایت از تولید از مسیر انضباط پولی

محمد قضایی پاک‌دهی در گفت‌وگویی بر همین نکته تأکید کرده که صرف افزایش تسهیلات الزاماً تورم‌زا نیست؛ مقصد پول اهمیت بیشتری دار. اعتبار اگر به مواد اولیه، تولید و صادرات برسد، اثر متفاوتی با منابعی دارد که سر از بازارهای دارایی درآورد. آرمان خالقی، دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت نیز تأکید کرده حمایت از تولید نباید به معنای کنارگذاشتن وظیفه بانک مرکزی در حفظ ثبات پولی و سلامت نظام بانکی باشد. از نگاه او، مسئله نیازمند هماهنگی میان بانک مرکزی، وزارت صمت و دیگر دستگاه‌هاست تا منابع محدود به شکل هدفمند تخصیص پیدا کند.

جدید یا توسعه ظرفیت‌های خود، به منابع مالی برای تأمین هزینه‌های جاری و ادامه فعالیت نیاز دارند.

در چنین شرایطی، سیاستگذار پولی با دو مطالبه هم‌زمان مواجه است؛ از یک طرف بنگاه‌ها برای ادامه فعالیت پول بیشتری می‌خواهند و از طرف دیگر، رشد بی‌محابای ترازنامه بانک‌ها و اضافه‌برداشت می‌تواند پایه پولی و تورم را تحت فشار قرار دهد.

اول مهار تورم، بعد تأمین مالی

بانک مرکزی برای جمع‌کردن این دو هدف، علاوه بر هدایت اعتبار بانکی، توسعه ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای را در اولویت قرار داده است. معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی پیش‌تر اعلام کرده بود اولویت با ابزارهایی است که کمترین فشار تورمی و بالاترین کارایی را داشته باشند. در ابتدای سال نیز سهمیه‌ای معادل ۶۷۰ همت برای ابزارهایی مانند اوراق گام، برات الکترونیکی، کارت رفاهی متصل به گام و فاکتورینگ تعیین شد. هم‌زمان، بانک مرکزی بر توقف اضافه‌برداشت بانک‌ها و مدیریت پایه پولی تأکید کرده است.

طبق آخرین اعلام رئیس‌کل بانک مرکزی، از ابتدای سال ۲۲۴ همت تأمین مالی از مسیر ابزارهای غیرتورمی انجام شده؛ در حالی که رقم مدت مشابه سال قبل ۱۵ همت بود و هدف بانک مرکزی رسیدن این رقم به ۷۰۰ همت تا پایان سال است.

مالی تولید، بدون بازکردن بی‌ضابطه شیر نقدینگی حفظ شود.

این مسئله در شرایط فعلی اهمیت بیشتری هم پیدا کرده است. بدون شک ریشه بخش قابل توجهی از نوسانات اخیر بازارهای مالی را باید در فضای سیاسی و امنیتی، نگرانی نسبت به آینده و تلاش مردم برای حفظ ارزش دارایی‌ها جست‌وجو کرد، نه اینکه در تأمین ارز یا متغیرهای بنیادی تحول خاصی رخ داده باشد. در این شرایط، تأمین مالی تولید ضروری است، اما نباید سیاستگذار را به سمت عرضه بی‌محابای منابع منحرف کند. منابع مالی محدود در اقتصاد ما باید به سمت بنگاه‌هایی هدایت شود که برای ادامه تولید، به سرمایه در گردش نیاز دارند؛ وگرنه افزایش اسمی تسهیلات می‌تواند به جای حمایت از تولید، به رشد نقدینگی و فشار تورمی دامن بزند.

مسئله اصلی؛ مسیر پول

آمارهای شبکه بانکی نیز اهمیت این مسئله را نشان می‌دهد. بر اساس آمارهای چهار ماهه نخست سال ۱۴۰۵ بخش صنعت و معدن با سهم ۴۲.۵ درصدی، همچنان بزرگ‌ترین دریافت‌کننده تسهیلات بانکی در کشور است. داده‌ها نشان می‌دهد در بخش‌های صنعت و معدن، خدمات، بازرگانی و کشاورزی، عمده تسهیلات به تأمین سرمایه در گردش اختصاص یافته است. یعنی بنگاه‌ها بیش از ایجاد کسب‌وکارهای

«بانک مرکزی همواره خود را حامی جدی تولید و رونق اقتصادی می‌داند و در این مسیر، تمام تلاش ما بر آن است تا با انضباط پولی و مدیریت بهینه منابع، بستر لازم برای فعالیت بنگاه‌های تولیدی و فعالان اقتصادی فراهم شود.» عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی با بیان این مطلب در در نشست مشترک «کمسیون ویژه جهش و رونق تولید و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی» با فعالان اقتصادی خراسان که به میزبانی بانک مرکزی برگزار شد؛ تأکید کرد: اولویت اصلی ما در شرایط کنونی، جهت‌دهی منابع بانکی به سمت تولید و رفع تنگنای آنان است، البته در این مسیر باید تعادلی میان حمایت از تولید و مدیریت متغیرهای کلان اقتصادی برقرار کنیم تا ثبات لازم برای برنامه‌ریزی تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی فراهم شود. همتی با تأکید بر اهمیت تعامل نزدیک با تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی اظهار داشت: ما از شنیدن نظرات مستقیم فعالان بخش خصوصی در استان‌های کشور استقبال می‌کنیم و معتقدیم تداوم این گفت‌وگوها به اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه‌تر و تسهیل فرآیندهای بانکی برای تولیدکنندگان می‌انجامد.

محسن زنگنه، رئیس کمیسیون ویژه جهش تولید و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ مجلس، ضمن قدردانی از اهتمام بانک مرکزی در برگزاری این جلسه، به تبیین رویکردهای مجلس در حمایت از بخش خصوصی پرداخت و بر ضرورت رفع موانع تأمین مالی تولید، تسهیل فرآیندهای ارزی برای واحدهای تولیدی تأکید کرد.

در این جلسه، مسائل و دغدغه‌های محوری فعالان اقتصادی در حوزه‌های تأمین سرمایه در گردش، تعهدات ارزی و تخصیص منابع به پروژه‌های پیشران مورد بررسی قرار گرفت و آقایان قوامی، طغیانی، قادری و خانم‌ها جهانگیری، قیصری و عبداللهی، ضمن همراهی با دغدغه‌های تولیدکنندگان، بر ضرورت نظارت دقیق‌تر بر اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و تسریع در رفع موانع بانکی تأکید کردند. بانک مرکزی باید بین تأمین مالی بنگاه‌ها و خطر رشد نقدینگی و تورم تعادل برقرار کند و این مهمترین و حساس‌ترین بخش سیاستگذاری پولی است که با انضباط پولی محقق می‌شود.

ماموریت دشوار سیاستگذار پولی

افزایش هزینه مواد اولیه و سرمایه در گردش، دسترسی به منابع مالی را به یکی از جدی‌ترین مشکلات بنگاه‌های تولیدی تبدیل کرده است؛ اما نسخه ساده «وام بیشتر» در اقتصادی که همچنان با تورم بالا دست‌وپنجه نرم می‌کند، می‌تواند خودش به بخشی از مشکل تبدیل شود. به همین دلیل، جهت اصلی سیاست اعتباری بانک مرکزی در ماه‌های اخیر بر این نقطه متمرکز شده است که جریان تأمین

حمایت غیرتورمی از تولید ملی

گیرد، افزایش تورم و نااطمینانی می‌تواند هزینه‌های بیشتری بر تولید تحمیل کند. بنابراین، رویکرد «انضباط پولی در کنار مدیریت بهینه منابع» می‌تواند مبنایی برای گذار از حمایت کمتی از تولید به سمت حمایت کیفی و هدفمند باشد. در این مدل، بانک مرکزی نه صرفاً تأمین‌کننده منابع، بلکه تنظیم‌کننده جریان اعتبار در اقتصاد است؛ به‌گونه‌ای که منابع محدود مالی در خدمت افزایش تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال و رشد پایدار قرار گیرد و هم‌زمان ثبات پولی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های رونق اقتصادی حفظ شود. سرانجام اینکه حمایت از تولید زمانی پایدار و اثربخش خواهد بود که به جای تزریق بی‌ضابطه منابع، بر کیفیت تخصیص اعتبار، رفع موانع تأمین مالی و حفظ ثبات اقتصادی استوار شود. چنین رویکردی می‌تواند زمینه را برای افزایش قدرت برنامه‌ریزی بنگاه‌ها، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و تقویت ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد فراهم کند.

ادامه از صفحه یک در این چارچوب، گفت‌وگوی مستقیم با فعالان اقتصادی نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. مشکلات تولیدکنندگان در استان‌ها و بخش‌های مختلف اقتصاد الزاماً یکسان نیست و بخشی از موانع تأمین مالی ممکن است ناشی از فرآیندهای بانکی، وثایق، زمان‌بر بودن بررسی درخواست‌ها یا عدم تناسب شیوه‌های تأمین مالی با نیاز واقعی بنگاه‌ها باشد. استمرار چنین گفت‌وگوهایی می‌تواند به شناسایی دقیق‌تر این گلوگاه‌ها و اصلاح سیاست‌های اعتباری کمک کند.

نتیجه اینکه حمایت مؤثر از تولید را باید حاصل هم‌افزایی سه سیاست دانست: ثبات اقتصاد کلان، تخصیص هدفمند منابع و تسهیل دسترسی بنگاه‌های مولد به منابع مالی. اگر منابع بانکی بدون توجه به اولویت‌های تولید توزیع شوند، اثربخشی حمایت کاهش می‌یابد؛ و اگر حمایت اعتباری بدون رعایت انضباط پولی صورت

ابلاغ وام مسکن به شعب

مدیرعامل بانک مسکن گفت: سقف تسهیلات خرید مسکن انفرادی در تهران به یک میلیارد تومان، در مراکز استان‌ها و شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر به ۸۰۰ میلیون تومان و در سایر مناطق شهری به ۶۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

علی خورسندیان، سقف تسهیلات خرید مسکن بستگان نیز در تهران ۲ میلیارد تومان، در مراکز استان‌ها و شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان و در سایر مناطق یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان تعیین شده است.

مدیرعامل بانک مسکن همچنین از افزایش سقف جعاله تعمیر مسکن به ۴۰۰ میلیون تومان در سراسر کشور خبر داد و گفت: تسهیلات ودیعه مسکن نیز در تهران ۴۰۰ میلیون، مراکز استان‌ها ۳۰۰ میلیون و سایر مناطق ۲۰۰ میلیون تومان خواهد بود.

یکه‌تازی و تجارت در بازار کارمزدها

بانک تجارت در پنج‌ماهه نخست سال ۱۴۰۵، با عبور از الگوی سنتی درآمدزایی و ثبت رشدهای قابل‌توجه در شاخص‌های مالی، مسیر حرکت به سمت بانکداری خدمات‌محور و مدرن را با شتاب بیشتری دنبال کرد.

درآمدهای عملیاتی بانک تجارت در این مدت ۵۷ درصد افزایش یافته و درآمدهای کارمزدی نیز با رشد ۷۰ درصدی همراه شده است. همچنین خالص درآمد عملیاتی بانک ۶۰ درصد، منابع ۶۴ درصد و تسهیلات ۶۱ درصد افزایش داشته‌اند. رشد درآمدهای کارمزدی، توسعه فعالیت‌های ارزی، افزایش منابع جاری و تنوع‌بخشی به سبد درآمدی، نشان می‌دهد بانک تجارت در حال حرکت از الگوی سنتی درآمدزایی به سمت بانکداری خدمات‌محور و مدرن است؛ مدلی که در آن، رابطه مؤثر با مشتری و ارائه خدمات متنوع، به موتور جدید خلق ارزش و سودآوری تبدیل می‌شود.

بانک صادرات خزانه دار طلا شد

بانک صادرات ایران با دریافت مجوز بانک مرکزی، ارائه‌دهنده خدمات خزانه‌داری شمش طلا و نقره به سکوهای خرید و فروش آنلاین شد و گام تازه‌ای برای ایفای نقش در زیرساخت رسمی بازار طلای دیجیتال برداشت. این مجوز در چارچوب ضوابط بانک مرکزی صادر شده است.

بر این اساس، بانک صادرات ایران می‌تواند در چارچوب مقررات و پس از طی فرآیندهای فنی و اجرایی مربوط، خدمات خزانه‌داری شمش طلا و نقره را به سکوهای مجاز خرید و فروش برخط ارائه کند. فعالیت این سکوها نیز در چارچوب ضوابط ابلاغی و با اتصال به سامانه ناظر انجام خواهد شد. گواهی‌های صادره توسط سکوهای مجاز که به سامانه ناظر بانک مرکزی متصل‌اند، قابلیت توثیق در سامانه «ست» بانک صادرات ایران را دارند.

حمیدرضا جیهانی، کارشناس اقتصادی، با اشاره به انتشار اوراق سلف سکه طلای بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز اظهار کرد: اوراق سلف سکه و ابزارهای مبتنی بر طلا به‌خودی‌خود ابزار مداخله مستقیم در بازار ارز نیستند، اما می‌توانند در مدیریت این بازار نقش کمک‌کننده و مؤثری داشته باشند.

وی افزود: در اقتصاد ایران به دلیل دوره‌های نااطمینانی، تورم و جهش‌های هیجانی قیمت‌ها، خانوارها و فعالان اقتصادی معمولاً تلاش می‌کنند دارایی خود را از شکل ربالی خارج و به سمت دارایی‌هایی هدایت کنند که پوششی در برابر تورم و کاهش ارزش پول ملی ایجاد کند. در شرایط فعلی، طلا و ارز مهم‌ترین بازارهای هستند که برای حفظ ارزش دارایی مورد توجه قرار می‌گیرند.

هدایت نقدینگی به بازار رسمی

این کارشناس اقتصادی گفت: در چنین شرایطی ایجاد ابزارهای رسمی، شفاف و در دسترس برای سرمایه‌گذاری در طلا اهمیت زیادی دارد. افرادی که قصد حفظ ارزش دارایی خود را دارند، به جای ورود مستقیم به بازارهای غیررسمی می‌توانند از ظرفیت اوراق سلف سکه طلای بانک مرکزی و صندوق‌های طلا استفاده کنند.

به گفته جیهانی، این ابزارها ضمن فراهم کردن امکان سرمایه‌گذاری در طلا، می‌توانند بخشی از نقدینگی سرگردان را به سمت بازارهای رسمی و قابل رصد هدایت کنند. صندوق‌های طلا نیز طی سال‌های اخیر در همین مسیر، بخشی از سرمایه‌گذاری در این بازار را به سمت فعالیت‌های رسمی‌تر و شفاف‌تر سوق داده‌اند.

کاهش فشار تقاضا بر بازار ارز

جیهانی ادامه داد: سرمایه‌گذاران به جای ورود مستقیم به بازار دلار و ارز، می‌توانند وارد بازار طلا و ابزارهای مالی مبتنی بر آن شوند و به شکل غیرمستقیم از تغییرات نرخ ارز و قیمت طلا بهره ببرند. به این ترتیب، بخشی از تقاضایی که در شرایط نااطمینانی به بازار ارز وارد می‌شود، می‌تواند از طریق ابزارهای طلا پاسخ داده شود.

وی یکی از مزیت‌های این ابزارها را

کارشناس اقتصادی در گفت و گو با تازه‌های اقتصاد

کنترل سرعت نقدینگی با بهادارسازی بازار طلا



وی گفت: در چنین شرایطی اگر ابزارهای مبتنی بر طلا، به‌ویژه اوراق سلف سکه، توسعه پیدا کنند و منابع آنها به‌درستی مدیریت شود، می‌توان بخشی از تقاضای سفته‌بازانه ارز را به سمت بازارهای رسمی سرمایه‌گذاری هدایت کرد.

کاهش نیاز به خرید و نگهداری طلای فیزیکی دانست و گفت: استفاده از اوراق صندوق‌های طلا، ریسک‌هایی مانند تقلب و سرقت را تا حد زیادی کاهش می‌دهد و در عین حال می‌تواند تقاضای مستقیم برای ارز در بازار اسکناس، صرافی‌ها و بازارهای غیررسمی را کاهش دهد.

مالی‌سازی بازار طلا

این کارشناس اقتصادی با اشاره به نقش توسعه بازار مالی طلا اظهار کرد: تقویت ابزارهای طلا می‌تواند بخشی از معاملات بازار فیزیکی طلا، چه رسمی و چه غیررسمی، را به بازارهای مالی منتقل کند. این روند به معنای مالی‌سازی بازار طلاست و می‌تواند نیاز به جابه‌جایی و نگهداری طلای فیزیکی مانند سکه و طلای آب‌شده را کاهش دهد.

وی افزود: سرمایه‌گذاران می‌توانند به جای نگهداری فیزیکی طلا، در قالب واحدهای صندوق سرمایه‌گذاری کنند و صندوق‌ها نیز بر پایه گواهی سپرده شمش طلا، گواهی سپرده طلا و سایر اوراق و ابزارهای مالی مبتنی بر طلا و فلزات گران‌بها فعالیت کنند.

جایگزین بخشی از تقاضای سفته‌بازانه دلار

جیهانی تأکید کرد: دلار در شرایط عادی ابزار مالی مورد استفاده در تجارت خارجی و مبادلات بین‌المللی است، اما در دوره‌های افزایش نااطمینانی، بخشی از تقاضای آن که ماهیت تجاری دارد، به تقاضای سفته‌بازانه و ذخیره ارزش تبدیل می‌شود.

شرط موفقیت؛ اعتماد و نقدشوندگی

این کارشناس اقتصادی در پایان خاطرنشان کرد: برای تحقق این هدف، نقدشوندگی ابزارهای مبتنی بر طلا باید در سطح مناسبی باشد، معاملات آنها شفاف انجام شود و عملکرد این ابزارها نیز با واقعیت‌های بازار طلا همخوانی داشته باشد. بازدهی صندوق‌های طلا باید ارتباط قابل قبولی با تحولات بازار فیزیکی طلا داشته باشد تا اعتماد سرمایه‌گذاران افزایش یابد.

جیهانی تصریح کرد: هرچه اعتماد به ابزارهای مبتنی بر طلا بیشتر شود، امکان خروج بخشی از سرمایه‌گذاران از بازارهای فیزیکی و غیررسمی و ورود آنها به بازارهای مالی افزایش پیدا می‌کند؛ در نتیجه، می‌توان به جای خرید مستقیم دلار، بخشی از نیاز مردم به حفظ ارزش دارایی را از طریق ابزارهای رسمی سرمایه‌گذاری مبتنی بر طلا پاسخ داد.

شبکه بانکی در مسیر مهاجرت به رمزنگاری پساکوانتومی

الگوریتم‌های رمزنگاری شبکه بانکی به صورت ناگهانی جایگزین شوند. ابتدا باید دارایی‌ها و سامانه‌های رمزنگاری شناسایی و ارزیابی شوند، استانداردها و الزامات فنی تدوین شود، راهکارهای جدید در محیط آزمایشگاهی مورد آزمون قرار گیرند و سپس مهاجرت سامانه‌های بانکی و پرداخت به صورت مرحله‌ای انجام شود. این رویکرد از آن جهت اهمیت دارد که مسئله رمزنگاری پساکوانتومی تنها به انتخاب یک الگوریتم جدید محدود نیست. شبکه بانکی مجموعه بزرگی از سامانه‌ها، تجهیزات، نرم‌افزارها، گواهی‌های دیجیتال و سازوکارهای تبادل داده را دربرمی‌گیرد که تغییر در لایه امنیتی آنها باید بدون ایجاد اختلال در خدمات روزمره بانکی انجام شود.

برنامه‌ای که با توجه به پردازش سالانه بیش از ۸۷ میلیارد تراکنش در شتاب و حدود ۱۱۱ میلیارد تراکنش در شاپرک، مستقیماً با امنیت یکی از بزرگ‌ترین زیرساخت‌های داده‌ای کشور ارتباط دارد. توسعه رایانش کوانتومی هنوز به نقطه‌ای نرسیده است که امنیت شبکه بانکی ایران را با یک تهدید فوری مواجه کند، اما مسئله‌ای که بانک مرکزی اکنون به سراغ آن رفته، آماده‌شدن پیش از رسیدن چنین تهدیدی است. بانک مرکزی و معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری چهارم شهریورماه تفاهم‌نامه‌ای را برای «توسعه فناوری و زیرساخت‌های رمزنگاری پساکوانتومی در حوزه پولی و بانکی» امضا کردند. براساس این برنامه، قرار نیست

سایه سنگین فقر انرژی بر اقتصاد ترکیه



نیز شکل دیگری از این نابرابری دیده می‌شود؛ جایی که ساختمان‌های مدرن و کم‌مصرف در کنار بافت‌های قدیمی و پرمصرف قرار گرفته‌اند. بنابراین، حتی در یک شهر واحد، تجربه خانوارها از هزینه انرژی می‌تواند کاملاً متفاوت باشد.

لیر و معمای قبض خانوار

وابستگی بالای ترکیه به واردات انرژی، آسیب‌پذیری اقتصاد این کشور را در برابر تحولات بازار جهانی افزایش داده است. هر افزایش قابل توجه در قیمت نفت و گاز، در اقتصادی که بخش مهمی از نیاز انرژی خود را از خارج تأمین می‌کند، می‌تواند فشار هزینه‌ای ایجاد کند. در این میان، کاهش ارزش لیر نیز نقش مهمی دارد. انرژی وارداتی با ارز خارجی خریداری می‌شود و تضعیف پول ملی، هزینه تأمین آن را برای اقتصاد ترکیه افزایش می‌دهد. به این ترتیب، اتفاقی که در بازار جهانی انرژی رخ می‌دهد، می‌تواند با فاصله‌ای نه‌چندان طولانی خود را در هزینه‌های خانوار ترکیه نشان دهد.

و به‌رغم انرژی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. خانه‌ای که انرژی را به‌سرعت از دست می‌دهد، حتی برای خانواری با درآمد مشابه، هزینه بیشتری ایجاد می‌کند. این مسئله شکاف دیگری را نیز آشکار می‌کند: درآمد یکسان لزوماً به معنای هزینه انرژی یکسان نیست. کیفیت ساختمان، سن بنا، سیستم گرمایش و موقعیت جغرافیایی می‌تواند تفاوت قابل توجهی در هزینه ماهانه خانوارها ایجاد کند. در نتیجه، فقر انرژی تنها به میزان درآمد وابسته نیست؛ بلکه با کیفیت محل زندگی نیز پیوند خورده است.

این فشار در سراسر ترکیه به یک شکل توزیع نشده است. مناطق شرقی و جنوب شرقی آناتولی، که در بسیاری از موارد با درآمدهای پایین‌تر و زمستان‌های سردتر مواجه‌اند، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر فقر انرژی دارند. در این مناطق، افزایش هزینه گرمایش می‌تواند بخش قابل توجهی از بودجه خانوار را به خود اختصاص دهد. در کلان‌شهرهایی مانند استانبول و آنکارا

اقتصاد ترکیه طی سال‌های اخیر زیر فشار تورم، نوسانات ارزی و چالش‌های ساختاری قرار داشته است؛ اما در پس این بحران‌های شناخته‌شده، پدیده‌ای آرام و تدریجی در حال تغییر کیفیت زندگی میلیون‌ها شهروند این کشور است: فقر انرژی. انرژی که در اقتصاد مدرن یکی از ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی محسوب می‌شود، برای بخش‌هایی از جامعه ترکیه به کالایی تبدیل شده که باید در مصرف آن صرفه‌جویی کرد، حتی اگر این صرفه‌جویی به قیمت کاهش آسایش و استانداردهای اولیه زندگی تمام شود.

افزایش هزینه برق و گاز در شرایطی رخ داده که قدرت خرید خانوارها هم‌پای تورم رشد نکرده است. نتیجه، فشار مضاعفی است که به‌ویژه بر حقوق‌بگیران ثابت و خانوارهای کم‌درآمد وارد می‌شود؛ خانوارهایی که در زمان کسری بودجه، ناچارند بخشی از مصرف انرژی خود را کاهش دهند. فقر انرژی در چنین شرایطی دیگر صرفاً ناتوانی در پرداخت قبض نیست؛ بلکه به معنای ناتوانی در تأمین گرمایش مناسب در زمستان، استفاده کافی از وسایل سرمایشی در تابستان و حتی محدود کردن مصرف برق برای کاهش هزینه‌های ماهانه است.

انرژی؛ قربانی تازه تورم

پارادوکس اصلی اینجاست: انرژی از یک سو جزو ضروری‌ترین هزینه‌های خانوار است و از سوی دیگر، در شرایط کاهش قدرت خرید، به یکی از نخستین اقلامی تبدیل می‌شود که مصرف آن محدود می‌شود. این عقب‌نشینی اجباری از سطح رفاه، اگرچه ممکن است در آمارهای رسمی هزینه خانوار به‌سادگی دیده نشود، اما در زندگی روزمره میلیون‌ها نفر خود را نشان می‌دهد. افزایش هزینه انرژی زمانی آثار شدیدتری پیدا می‌کند که درآمد خانوار ثابت یا رشد آن کمتر از نرخ تورم باشد. در چنین شرایطی، افزایش قبض برق و گاز به معنای کاهش سهم سایر هزینه‌ها از جمله خوراک، آموزش، درمان و تفریح است. به این ترتیب، بحران انرژی به‌تدریج از یک مسئله اقتصادی به مسئله‌ای معیشتی تبدیل می‌شود.

خانه‌هایی که انرژی را هدر می‌دهند

ریشه بحران تنها در افزایش تعرفه‌ها یا افت ارزش لیر خلاصه نمی‌شود. بخش قابل توجهی از ساختمان‌های مسکونی ترکیه از نظر عایق‌بندی، سیستم‌های گرمایشی

زنگ خطر برای اقتصاد ترکیه

فقر انرژی شاید در مقایسه با تورم و نرخ ارز، بحران آشکارتری در صفحه نخست اخبار نباشد، اما آثار آن می‌تواند عمیق‌تر و ماندگارتر باشد. وقتی خانوار برای پرداخت قبض، از خوراک، آموزش یا سایر هزینه‌های ضروری خود می‌زند، بحران انرژی دیگر یک مسئله صرفاً اقتصادی نیست؛ بلکه به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل شده است. تجربه ترکیه نشان می‌دهد که افزایش قیمت انرژی در اقتصادی با تورم بالا و وابستگی قابل توجه به واردات، می‌تواند به‌تدریج استاندارد زندگی را پایین بکشد؛ بدون آنکه لزوماً یک بحران ناگهانی و قابل مشاهده ایجاد کند. شاید به همین دلیل است که فقر انرژی را باید بحران خاموش اقتصاد ترکیه دانست؛ بحرانی که ابتدا از قبض‌های خانوار آغاز می‌شود، اما اگر مهار نشود، در نهایت به شکاف‌های عمیق‌تر اجتماعی و اقتصادی می‌رسد.

پول برای تولید نه تورم

چنین وضعی توقف حمایت از بنگاه نبود. IMF میان بنگاه‌های قابل‌ادامه‌ای که با مشکل موقت جریان نقدی روبه‌رو شده‌اند و حمایت‌های فراگیری که می‌توانند تقاضای بیشتری ایجاد کنند، تفاوت گذاشت و برای گروه نخست، خطوط اعتباری، وام‌های تضمین‌شده و حمایت‌های موقت نقدینگی را مناسب‌تر دانست.

در ادامه همین رویکرد، هفت بانک توسعه‌ای چندجانبه (MDBs) در مه ۲۰۲۶ بر حمایت‌های هدفمند و زمان‌دار، تأمین مالی تجارت و زنجیره تأمین و فراهم کردن سرمایه در گردش برای بنگاه‌ها تأکید کردند؛ رویکردی که در برخی بازارها به مرحله اجرا نیز رسیده است. شرکت مالی بین‌المللی (IFC) در آوریل همان سال با بانک استاندارد چارترد (Standard Chartered) یک سازوکار ۳۰۰ میلیون دلاری تقسیم ریسک برای هشت بازار آفریقایی ایجاد کرد. در این مدل، بانک مطالبات و معاملات زنجیره تأمین را تأمین مالی می‌کند و IFC بخشی از ریسک را می‌پذیرد تا تأمین‌کنندگان بتوانند پول فروش خود را زودتر دریافت و دوباره وارد چرخه تولید کنند. این برنامه قرار است طی سه سال حدود ۱.۹ میلیارد دلار معامله را پوشش دهد. آنچه این تجربه را به توصیه‌های پیشین پیوند می‌دهد، شکل حمایت است: منابع به‌جای آنکه به‌صورت عمومی وارد اقتصاد شوند، به معامله، مطالبات و سرمایه در گردش بنگاه متصل می‌شوند.

عرضه و تورم روبه‌روست، حمایت از تولید دیگر تصمیم ساده‌ای نیست. بنگاه برای خرید مواد اولیه، پرداخت هزینه‌های جاری و حفظ جریان تولید به سرمایه در گردش نیاز دارد، اما در یک اقتصاد بانک‌محور، پاسخ دادن به این نیاز صرفاً با افزایش تسهیلات نقدی می‌تواند فشار تازه‌ای بر سیاست پولی وارد کند. از طرفی، کمبود منابع مالی هم بی‌هزینه نیست. تولیدکننده‌ای که امکان ادامه فعالیت دارد، اگر نتواند مواد اولیه بخرد یا فاصله میان فروش و وصول مطالبات را پوشش دهد، ناچار تولید را کاهش می‌دهد؛ یعنی تنگنای مالی می‌تواند همان محدودیت عرضه‌ای را که اقتصاد با آن روبه‌روست، تشدید کند.

تفاوت میان «تأمین مالی بیشتر» و «تأمین مالی هدفمند» در همین نقطه معنا پیدا می‌کند. اگر اعتبار به‌صورت گسترده و بدون اتصال روشن به فعالیت تولیدی وارد اقتصاد شود، می‌تواند تقاضای تازه‌ای ایجاد کند که عرضه توان پاسخ‌گویی به آن را ندارد. اما وقتی منابع به خرید مواد اولیه، فاکتور، طلب مشخص یا معامله واقعی متصل می‌شوند، احتمال بیشتری وجود دارد که اعتبار در همان چرخه تولید باقی بماند و مصرف آن نیز قابل‌ردیابی‌تر باشد.

صندوق بین‌المللی پول ارزیابی آثار جنگ خاورمیانه و جهش قیمت انرژی در سال ۲۰۲۶، این وضعیت را یک «شوک منفی عرضه» توصیف کرد؛ شوکی که هم قیمت‌ها را بالا می‌برد و هم فعالیت اقتصادی را محدود می‌کند. توصیه صندوق در

گشتی در اقتصاد دنیا

حذف صفرهای اضافه از دینار عراق

یکی از اعضای کمیسیون مالی پارلمان عراق اعلام کرد که بانک مرکزی این کشور در حال بررسی چاپ اسکناس‌های جدید و حذف سه صفر از دینار عراق است؛ با این حال، اجرای طرح حذف صفرها نیازمند آن است که دولت لایحه‌ای را ارائه کرده و این لایحه به تصویب پارلمان برسد. جمال کوچر، با اشاره به تفاوت میان «تغییر واحد پول» و «حذف صفرها» گفت که تغییر اسکناس و واحد پول در حیطه اختیارات بانک مرکزی قرار دارد، اما حذف صفرها از دینار عراق نیازمند تصویب قانونی است که ابتدا از سوی دولت پیشنهاد و سپس در پارلمان تصویب شود. او افزود یکی از دلایل بررسی تغییر اسکناس‌ها، فرسوده شدن اسکناس‌های موجود و افزایش موارد جعل و تقلب در اسکناس‌هاست.

درگذشت بانکدار روس

جورجی ماتیوخین، نخستین رئیس بانک مرکزی روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در ۹۱ سالگی و یک روز قبل از تولد ۹۲ سالگی اش درگذشت. بانک مرکزی روسیه ز ماتیوخین به‌عنوان «رهبری فعال و مسئول» یاد کرد که در سال ۱۹۹۰، در «یک نقطه عطف حساس»، برای ریاست بانک دولتی جمهوری سوسیالیستی فدراتیو شوروی روسیه منصوب شد. این بانکدار روسی، در شرایط کمبود شدید ارز و افزایش سرسام‌آور تورم، نقشی کلیدی در توسعه بخش مالی روسیه مدرن ایفا کرد. رسانه‌های اقتصادی روسیه یکی از مهم‌ترین دستاوردهای او را ایجاد نظام بانکداری دو سطحی دانسته‌اند؛ نظامی که در آن نهاد مرکزی مسئول سیاست پولی از فعالیت‌های بانکداری تجاری جدا شد.

ویدئو

